



Prevention of the phenomenon of child marriage from the point of view of sociological damage (zemiology) in Iran's criminal policy

Hadi Keramati Moez¹✉, Parisa Zand Rad Mojarad², Mohadeseh Mohammad Zadeh³

Abstract

Field and Aims: The phenomenon of child marriage is one of the social and cultural problems that has a deep impact on the lives of children, especially girls. Considering the recent emergence of the concern of dealing with child marriage and its imported nature, it is necessary to look at this issue with a national and religious perspective in order to provide the right model for Iran's criminal policy in this regard. The phenomenon of child marriage has been studied from the point of view of sociological harm in Iran's criminal policy.

Method: The present research was carried out using a descriptive and analytical method.

Findings and Conclusions: In order to prevent this phenomenon, differential criminalization of pre-pubescent marriage, criminalization of forced marriage, and criminalization of refusal to register and providing opportunities for child and adolescent education are the most important ways to prevent child marriage. Unifying the legal age of marriage to 18 years and amending the laws and approving the plan of child marriage are considered the most important ways to prevent child marriage, and modifying and adjusting patriarchal thinking and holding seminars on children's rights are considered the most important social prevention methods of child marriage. It has been taken and part of education and advertisement for family-oriented prevention and part of education and advertisement for school-oriented prevention of the most important methods of growth-oriented prevention of child marriage have been dedicated. This research emphasizes that dealing with child marriage requires a comprehensive and multidimensional approach that requires the comprehensive cooperation of governmental and non-governmental institutions, civil society, and the media. The implementation of these solutions can help reduce the prevalence of child marriage and improve the condition of children.

Keyword: Child marriage, forced marriage, differential criminalization, sociological injury.

*Citation (APA): Keramati Moez, H.; Zand Rad Mojarad, P.; Mohammad Zadeh, M. (2023). Prevention of the phenomenon of child marriage from the point of view of sociological damage (zemiology) in Iran's criminal policy. *Applied criminology research*, 1(1), 23-44.

https://qacr.ir/article_715536.html?lang=en

1. Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Toloe Mehr University, Qom, Iran. (Author). Email: keramatihadi@ut.ac.ir

2. Master in Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Toloe Mehr University, Qom, Iran. Email: Radmojarrad1993@gmail.com

3. Postgraduate student in Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Toloe Mehr University, Qom, Iran. Email: movahedmohad@gmail.com



پیشگیری از پدیده کودک همسری از منظر آسیب اجتماعی شناسی (زمینولوژی)

در سیاست جنایی ایران

هادی کرامتی معز^۱، پریسا زند راد مجرد^۲، محدثه محمدزاده^۳

چکیده

زمینه و هدف: پدیده کودک همسری یکی از معضلات اجتماعی و فرهنگی است که تأثیرات عمیقی بر زندگی کودکان، به ویژه دختران دارد. با توجه به نوپدیدبودن دغدغه مقابله با کودک همسری و وارداتی بودن آن، نیاز است تا نگاهی ملی و مذهبی به این موضوع شود تا الگوی درست برای سیاست جنایی ایران در این رابطه ارائه گردد. این پژوهش به ارائه راهکارهای پیشگیری کیفری و غیرکیفری از پدیده کودک همسری از دیدگاه آسیب اجتماعی شناسی (زمینولوژی) در سیاست جنایی ایران پرداخته است.

روش: پژوهش حاضر به روش توصیفی و تحلیلی انجام شده است.

یافته‌ها و نتایج: به منظور پیشگیری از این پدیده، جرم‌انگاری افتراقی ازدواج پیش از بلوغ، جرم‌انگاری ازدواج اجباری و جرم‌انگاری امتناع از ثبت نام و فراهم کردن موجبات تحصیل طفل و نوجوان مهم‌ترین راهکارهای پیشگیری کیفری از کودک همسری است. یکنواخت‌سازی سن مجاز ازدواج به ۱۸ سال شمسی و اصلاح قوانین و تصویب طرح کودک همسری مهمترین راهکارهای پیشگیری وضعی از کودک همسری تلقی می‌شود و اصلاح و تعدیل تفکر مردسالاری و برگزاری سمینارهای حقوق کودک مهم‌ترین راهکارهای پیشگیری اجتماعی از کودک همسری در نظر گرفته شده است و آموزش و آگاهی‌بخشی در راستای پیشگیری خانواده‌محور و آموزش و آگاهی‌بخشی در راستای پیشگیری مدرسه‌محور مهم‌ترین راهکارهای پیشگیری رشد‌مدار از کودک همسری اختصاص پیدا کرده است. این پژوهش تأکید می‌کند که مقابله با کودک همسری نیازمند یک رویکرد جامع و چندبُعدی است که مستلزم همکاری همه‌جانبه نهادهای دولتی و غیردولتی، جامعه مدنی و رسانه‌ها می‌باشد. اجرای این راهکارها می‌تواند به کاهش شیوع کودک همسری و بهبود وضعیت کودکان کمک کند.

کلیدواژه‌ها: کودک همسری، ازدواج اجباری، جرم‌انگاری افتراقی، آسیب اجتماعی شناسی.

* استناددهی (APA): کرامتی معز، هادی؛ زند راد مجرد، پریسا و محمدزاده، محدثه. (۱۴۰۲). پیشگیری از پدیده کودک همسری از منظر آسیب اجتماعی شناسی (زمینولوژی) در سیاست جنایی ایران. پژوهش‌های جرم‌شناسی کاربردی، ۱(۱)، ۲۳-۴۴.

https://qacr.ir/article_715536.html

۱. استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشکده حقوق دانشگاه طلع مهر، قم، ایران.

(نویسنده مسئول). رایانامه: keramatihadi@ut.ac.ir

۲. کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشکده حقوق دانشگاه طلع مهر، قم، ایران.

رایانامه: Radmojarrad1993@gmail.com

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشکده حقوق دانشگاه طلع مهر، قم، ایران.

رایانامه: movahedmohad@gmail.com

مقدمه

از آنجا که سیاست جنایی در قبال پدیده‌های اجتماعی دارای مسئولیت است، موضوع کودک‌همسری در کانون توجهات سیاستگذاران جنایی قرار گرفت. کودک‌همسری به معنای ازدواج کودکان (افراد زیر سن قانونی) است. سن قانونی برای ازدواج در کشورهای مختلف، متفاوت است. از آنجا که برخی اسناد حقوق بشری، افراد زیر ۱۸ سال را کودک می‌شمارند، می‌توان بر این باور بود که هرگونه ازدواج زیر سن ۱۸ سال نوعی کودک‌همسری به شمار می‌آید.

بیشتر توجهات حقوقی درخصوص کودک‌همسری به موضوع «سن قانونی ازدواج» متمرکز شده است. از این رو، عمده پژوهشگران حوزه حقوق خصوصی و شاخه حقوق زنان از حقوق بشر دل‌بسته مباحث مرتبط با این پدیده اجتماعی می‌باشند. با این حال، می‌توان این پدیده را با رویکرد سیاست جنایی نیز مورد توجه قرار داد.

حفظ نهاد خانواده و تقویت آن یکی از دغدغه‌های کشور ماست. تصویب قوانین مختلف در حوزه‌های مختلف حقوقی مؤید این ادعا است. یکی از مواردی که همواره این نهاد مهم را در معرض خطر قرار داده و تهدیدی برای آن محسوب می‌شده است، پدیده کودک‌همسری است. متأسفانه، علیرغم توصیه چه در سطح ملی و چه در سطح جهانی، این پدیده در کشور ما همچنان آمار قابل توجه و نگران‌کننده‌ای دارد.^۱

ازدواج اجباری کودکان در سنینی که هنوز آمادگی لازم برای زندگی زناشویی و حاشیه‌های آن را ندارند، در قامت یک معضل رو به گسترش است و علت پیش‌آمدن این موضوع و باید و نبایدها و تحلیل و پیشگیری و آثار آن از دید جرم‌شناسی و سیاست جنایی موضوعی است که این پژوهش مورد بررسی قرار خواهد داد.

مطالعه پدیده کودک‌همسری از آن جهت مهم است که این مورد از جنبه‌های مختلف سبب بروز مشکلاتی عدیده می‌شود و لازم است که حتماً از دیدگاه سیاست جنایی به آن پرداخته شود تا راه‌های پیشگیری از آن تبیین شوند. از جهت روانشناختی، یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های زندگی مشترک، رابطه جنسی است و این رابطه می‌بایست که برای هر دو طرف رضایت‌بخش باشد. در پدیده کودک‌همسری، برای دختران این عمل زمانی رخ می‌دهد که زوجه برای آن آمادگی کافی نداشته و بنابراین، این موضوع پیامدهای جسمی و روانی ناگواری برای او به

۱. به گزارش مرکز آمار ایران، ۲۰ هزار دختر کمتر از ۱۵ سال در ۹ ماه گذشته ازدواجشان ثبت شده است. این فقط آمار ازدواج دختران زیر ۱۵ سال است که عقد نکاح آنها ثبت شده (به نقل از سایت خبر آنلاین در ۲۶ فروردین ۱۴۰۲).

همراه خواهد داشت (مقدادی و جوادپور، ۱۳۹۶: ۳۵). یکی از تأسفبرانگیزترین رخداد‌های که در این موضوع اتفاق می‌افتد، خشونت‌های جنسی علیه دختران است که در نهایت، می‌تواند منجر به فحشا و اعتیاد نیز شود (سیاه‌بیدی کرمانشاهی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۵۴).

از دیدگاه اجتماعی می‌توان گفت که پدیده کودک‌همسری حتی با سیاست‌های اجتماعی دولت‌ها نیز همخوانی ندارد و در تناقض با آن است؛ برای مثال، یکی از اهداف عالی و مهم دولت‌ها در حوزه اجتماعی که در اصل سیاسی‌ام قانون اساسی نیز بروز پیدا کرده، تحصیل رایگان و برخورداری تمام افراد جامعه از حداقل آن است. طبیعتاً، وقتی دختری در سنین پایین و کودکی ازدواج می‌کند، نمی‌تواند تحصیلات خود را که در بهترین حالت در سن ۱۸ سالگی به پایان می‌رسد، تکمیل کند و افتادن بار زندگی بر دوش او مانع از این می‌شود و مسئله به همین جا ختم نشده و عدم برخورداری از حداقل تحصیلات، مواردی چون ناآگاهی و بیسوادی را به دنبال خواهد داشت که خود این می‌تواند زمینه‌ساز فراهم‌شدن بستر ارتکاب جرم باشد. علاوه بر این موارد، از نظر تربیتی و آسیب‌های جسمی هم پدیده کودک‌همسری می‌تواند پیامدهای ناگواری به دنبال داشته باشد. طبیعتاً، والدینی که از سن کم برخوردارند و هنوز دوران کودکی خود را سپری نکرده‌اند، از پس تربیت فرزندانی که قرار است به دنیا آورند، برنخواهند آمد و علت این برمی‌گردد به همان دلیل قبلی که گفته شد؛ یعنی عدم برخورداری از تحصیلات حداقلی و ناآگاهی و بی‌سوادی در امور مختلف. حفظ بنیان خانواده و تقویت آن یکی از اصل‌های بنیادی در کشور ماست که در وضع و تصویب قوانین بدان توجه می‌شود و ملاک قرار می‌گیرد. پدیده کودک‌همسری حتی با این موضوع هم در تناقض است، چرا که عدم توانایی جسمی و روحی و همچنین، عدم آمادگی آموزشی و تربیتی کودکان برای پذیرش مسئولیت اجتماعی و اقتصادی نهادی در وسعت خانواده منجر به عدم توانایی در ماندگاری در این نقش‌ها می‌شود و این خود در نهایت، فروپاشی نهاد خانواده‌هایی که در خلال این پدیده یعنی کودک‌همسری ایجاد شده‌اند، می‌شود. این نکته می‌بایست مورد توجه آن دست از موافقان پدیده کودک‌همسری قرار گیرد که در عین موافقت به دنبال راه‌هایی جهت حفظ بنیان خانواده نیز هستند.

یکی از موضوعات مهمی که در این موضوع قابل توجه است، این است که غالباً قشر مذهبی جامعه تصورشان بر این است که افزایش سن ازدواج تبعیت از کشورهای غربی و عاملی برای کاهش تشکیل خانواده به عنوان رکنی مهم از ارکان جامعه است؛ اما باید گفت که چنین نیست. اتفاقاً، افزایش سن ازدواج برای حمایت از کودکان و رعایت حقوق آنان است که

در دین اسلام نیز بدان توجه مبسوط شده و همچنین، ازدواج در سنین پایین احتمال طلاق و فروپاشی بنیان خانواده را بالا می‌برد. پس، بهتر است با افزایش سن ازدواج احتمال تشکیل خانواده‌های بادوام را بالا ببریم.

از موارد بعدی که برای پیشگیری از این امر می‌توان بدان اشاره داشت، افزایش آگاهی جامعه از حقوق کودکان است؛ به این معنی که نه تنها خانواده‌ها و خود دختران، بلکه می‌بایست تمام جامعه و گروه‌های آن از حقوق کودکان آگاه باشند. از طرفی، بسیاری از خانواده‌ها گاهی به خاطر فقر تن به ازدواج کودکان خود می‌دهند و از تحصیل آن‌ها ممانعت به عمل می‌آورند. در این راستا، نهادهایی مانند مجلس می‌توانند با تصویب قوانین و مقررات، سیاست‌هایی پیش بگیرند و از رهگذر آنان، دولت و سایر نهادهای اجرای را موظف به حمایت از خانواده و دختران به عنوان اقشار آسیب‌پذیر کنند تا ازدواج در سنین پایین به دلایلی چون فقر را کاهش دهند. با این وصف، پرسشی که نگارندگان در پی پاسخ‌گویی به آن هستند، این است که مهم‌ترین راهکارهای پیشگیری از کودک‌همسری در سیاست جنایی ایران چیست؟

پیشینه پژوهش و مبانی نظری

پیشینه پژوهش

آذری و میرمجیدی (۱۴۰۰)، در پژوهشی با عنوان «مطالعه تجربی جرم کودک‌همسری در گفتمان تقنینی و قضایی ایران از منظر جرم‌شناسی انتقادی (به روش برساخت‌گرایی اجتماعی)»، با مطالعه ۳۰ پرونده محاکم خانواده در سال ۱۳۹۹ و مصاحبه با قضات مربوطه و خانواده‌های کودکان، از منظر جرم‌شناسی انتقادی و مشخصاً، بر مبنای سنت برساخت‌گرایی، دو جنبه از جرم کودک‌همسری (ماده ۶۴۶ ق.م.ا) را یکی، سن قانونی ازدواج و دیگری، مفهوم مصلحت در ازدواج کودک (ماده ۱۰۴۱ ق.م) تحلیل می‌کنند. یافته‌ها حاکی از برساخته‌بودن این دو جنبه تنها براساس معیارهای اقلیت حاکم بر فرایند قانون‌گذاری است. لذا، پیوسته امکان برساخت‌زدایی از آن‌ها وجود دارد.

جعفری (۱۴۰۰)، در پژوهشی با عنوان «بررسی پدیده کودک‌همسری در قوانین موضوعه ایران»، صرفاً این موضوع را از دیدگاه قوانین ایران بررسی کرده و به این نتیجه رسیده که کودک‌همسری یکی از مهمترین مسائل جوامع امروز است و آسیب‌های فراوانی را با خود به همراه دارد. ازدواج زودهنگام به ازدواجی اطلاق می‌شود که زوجین یا یکی از آنان به سن ۱۸ سالگی نرسیده باشد. این نوع ازدواج هر دو جنس را متأثر می‌سازد، اما دختران بیشتر در

معرض آسیب هستند و آسیب‌ها و عوارض شدیدی را متحمل می‌گردند. ازدواج و تشکیل خانواده قدمتی به طول تاریخ دارد و اگر چه لازم است و باعث بقای جامعه می‌باشد، اما باید در موقع مناسب خود روی دهد. کودک‌همسری یعنی ازدواج زیر ۱۸ سال که فرد هنوز از نظر جسمی و عقلی به بلوغ کافی نرسیده باشد و توانایی یک انتخاب درست را ندارد و در نتیجه، تبعاتی مثل خشونت، خیانت، طلاق، افسردگی، فرار از خانه و غیره را به همراه دارد.

قصاب یزدلی (۱۳۹۹)، در پژوهشی با عنوان «سیاست جنایی ایران در جرم کودک‌همسری»، پیش‌فرض را بر این بنیان نهاده که کودک‌همسری نوعی جرم است و عنوان دارد که کودک‌همسری، ازدواج رسمی یا غیررسمی است که کودک زیر سن ۱۸ سال و یا بر اساس فقه، ۱۳ سال برای دختران و ۱۵ سال برای پسران ازدواج می‌کنند. حوزه‌های قضایی متعددی ازدواج زودهنگام را با رضایت والدین مجاز می‌دانند. ازدواج در کودکی بر پسران و دختران تأثیرات منفی می‌گذارد؛ هرچند قریب به اتفاق آن‌هایی که صدمه می‌بینند، دختران‌اند. بیشتر ایشان موقعیت اقتصادی-اجتماعی ضعیفی دارند و از دلایل اصلی ازدواج کودک، فقر و مشکلات اقتصادی و فرهنگی است. ازدواج در سنین پایین آسیب‌های روانی، فرهنگی و اجتماعی به دنبال دارد.

مبانی نظری

«جرم‌شناسی‌های انتقادی معاصر»^۱ نظریه‌ها، دستاوردها، دورنماها و یافته‌های «جرم‌شناسی جریان اصلی»^۲ را نادیده انگاشتند و به نوعی، این اقدام‌ها و تدابیری که توسط جرم‌شناسان وقت تحقیقی، مطرح شده بود را فاقد کارایی و اثر دانست و در نهایت، به مردود دانستن آن‌ها اعتقاد داشت؛ در آغاز دوره نوین، یعنی در آغاز هزاره سوم، رویکرد و دیدگاهی مطرح شد که نسبت به جرم‌شناسی‌های انتقادی پیشین، روزآمد و تازه‌تر به نظر می‌رسد؛ اما، نگرشی انتقادی‌تر و افراطی‌گراتر را پیشه ساخته است (کرامتی معز، ۱۴۰۳: ۱۲۲).

پارادایم نوظهور «زمیولوژی»^۳ نام خود را از واژه یونانی *zemia* به معنای آسیب وام گرفته است. در دهه‌های اخیر، جرم‌شناسان اعمال زیانباری را در جامعه بررسی کرده‌اند که توسط

1. Contemporary Critical Criminologies
2. Mainstream Criminology
3. Zemiology

قوانین کیفری منع نشده‌اند؛ به عبارت دیگر، جرم‌شناسی آسیب اجتماعی محور رفتار مباح، اما مضر را مورد مطالعه قرار می‌دهد.^۱

بخشی از ناکارآمدی جرم‌شناسی کلاسیک ناشی از این است که جرم‌شناسی همواره موضوع مطالعات خود را حول محور جرائم تعریف و احصاشده از سوی قانون‌گذار قرار داده است و نمی‌تواند به گونه واقعی علت آن را دریابد؛ چرا که جرم‌شناسی همیشه و همواره در افسون جرم است و به آن توجه دارد. بنابراین، جداکردن صدمات و لطمات که جرم نامیده می‌شود، از دیگر اعمال و در نتیجه، نادیده گرفتن آن‌ها نگرشی انحرافی از علوم اجتماعی را در حقوق کیفری ایجاد خواهد کرد (پمبرتون، ۲۰۰۸: ۷۳-۷۶).

از این رو، رفته‌رفته سخن از آن به میان آمد که بسیاری از رفتارهای جرم‌انگاری نشده منشأ ایجاد آسیب‌هایی شدید می‌باشد که هر یک می‌تواند بر وجوه مختلف ارزش‌ها، حقوق و نیز زندگی انسانی تأثیرات نامطلوب گذارد، اما با این حال حقوق کیفری از نظر داشت بر آن‌ها و مرتکبین این رفتارها غافل بوده است؛ این دیدگاه که انگاره جرم را مفهومی مضیق و محدود تلقی می‌نمود و مطالعه مفهوم آسیب را به جای جرم مطرح می‌سازد. با این وصف، پدیده کودک‌همسری نیز در حوزه مطالعاتی جرم‌شناسی با رویکرد آسیب اجتماعی‌شناسی قرار خواهد گرفت.

بدین ترتیب، با تحلیل آسیب اجتماعی‌شناسان و از سوی دیگر، با اتخاذ رویکرد جرم‌شناسی انتقادی، فرایندهای قانون‌گذاری و عملکرد صاحبان قدرت و نفوذ در جامعه را به نقد کشیده و با طرح پرسش‌های بنیادین پیرامون نحوه برساخت پاره‌ای واقعیت‌ها معتقد است بعضی از واقعیت‌ها نتیجه قراردادهای و قواعد ساخته‌شده انسان‌ها هستند و از این رو، هیچ بنیانی ندارند؛ از جمله آن‌ها، جرم موضوع ماده ۶۴۶ قانون مجازات اسلامی پیرامون جرم کودک‌همسری است. مطابق این ماده، ازدواج «قبل از بلوغ بدون اذن ولی ممنوع است، چنانچه مردی با دختری که به حد بلوغ نرسیده، برخلاف مقررات ماده ۱۰۴۱ ق.م. و تبصره ذیل آن ازدواج نماید، به حبس تعزیری از شش ماه تا دو سال محکوم می‌گردد». با وجود این حمایت کیفری، هرگاه ولی برخلاف مقررات ماده ۱۰۴۱، دختر خود را به عقد ازدواج دیگری درآورد، فاقد مسئولیت کیفری و حقوقی است؛ زیرا مجازات موضوع ماده ۶۴۶ صرفاً برای زوج مقرر

۱. در ادبیات جرم‌شناسی ایران، اولین بار موضوع زیملوژی توسط استاد نجفی ابرندآبادی در دیپاچه دانشنامه جرم‌شناسی آکسفورد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۹: ۱۴-۱۵) و همچنین، مجدداً از استاد نجفی ابرندآبادی در یادنامه شادروان دکتر رضا نوربها مطرح شد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۰: ۱۰۱۵-۱۰۳۱).

شده است (آذری و میرمجیدی، ۱۴۰۰: ۲۹)؛ البته، این موضوع توسط تبصره ماده ۵۰ قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۹۱ اصلاح شد. تبصره مدنظر مقرر کرده است: «هرگاه ولی قهری، مادر، سرپرست قانونی یا مسئول نگهداری و مراقبت و تربیت زوجه در ارتکاب جرم موضوع این ماده تأثیر مستقیم داشته باشند، به حبس تعزیری درجه شش محکوم می‌شوند. این حکم در مورد عاقل نیز مقرر است».

با توجه به نسخ ماده ۶۴۶ قانون مجازات اسلامی کتاب پنجم تعزیرات و جایگزینی ماده ۵۰ قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۹۱، نکته مهم در این ماده، شروط مقرر در ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی برای تحقق جرم کودک‌همسری است. در ماده ۱۰۴۱ ق.م. ازدواج قبل از سن بلوغ منوط شده است به اذن ولی به شرط رعایت مصلحت با تشخیص دادگاه؛ بدین ترتیب، تحقق جرم کودک‌همسری موضوع ماده ۵۰ قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۹۱ مشروط به عدم تحقق دو شرط مقرر در ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی، یعنی عدم اذن ولی یا عدم رعایت مصلحت به تشخیص دادگاه شده است. لذا، درک صحیح از این جرم لاجرم در گرو تحلیل صحیح از ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی مشخصاً، در خصوص حداقل سن قانونی ازدواج و برداشت کنشگران قضایی از مفهوم مصلحت ناظر بر تجویز کودک‌همسری است. در نتیجه، بر مبنای آموزه‌های آسیب اجتماعی‌شناسی و جایگزینی مفهوم آسیب بجای مفهوم جرم، لذا کودک‌همسری حتی با وجود سن ۱۳ سال شمسی برای دختران و ۱۵ سال شمسی برای پسران با توجه به عواقب و آسیب‌هایی که دارد، مورد پذیرش قرار نمی‌گیرد.

یافته‌ها

۱. راهکارهای پیشگیری غیرکیفری از کودک‌همسری

پیشگیری از جرم در معنای جرم‌شناسانه شامل مجموعه تدابیر و اقدام‌های غیرکیفری است که پیش از ارتکاب جرم و به منظور تأثیرگذاری بر عوامل جرم‌زا اعم از عوامل فردمدار و موقعیت‌مدار به کار گرفته می‌شوند. با این اوصاف، تعریف مدنظر نگارنده این است که جرم‌شناسی پیشگیرانه از جمله شاخه‌های کاربردی جرم‌شناسی است که با رویکردی کنشی-پیشینی و ماهیتی غیرقهرآمیز به دنبال کاهش یا از بین بردن عوامل فردی، محیطی و وضعی مؤثر در وقوع بزهکاری است (کرامتی معز، ۱۳۹۹: ۱۲۸).

جرم‌شناسی پیشگیرانه (پیشگیری غیرکیفری) شامل سه دسته از اقدامات پیشگیری: ۱. پیشگیری وضعی ۲. پیشگیری جامعه‌مدار ۳. پیشگیری رشدمدار می‌شود که در این قسمت، به مهم‌ترین راهبردهای آن‌ها در قبال پدیده کودک‌همسری خواهیم پرداخت.

۱-۱. پیشگیری وضعی

پیشگیری وضعی، به عنوان یکی از راهبردهای مهم در کاهش و کنترل جرم، به طور ویژه به مجموعه‌ای از اقدامات و تدابیری اشاره دارد که با ایجاد تغییرات در محیط فیزیکی یا اجتماعی، شرایط ارتکاب جرم را دشوارتر یا کم‌جاذبه‌تر می‌کنند. در این راستا، بحث کودک‌همسری که به عنوان یکی از مسائل جدی اجتماعی و فرهنگی در بسیاری از جوامع به شمار می‌آید، نیازمند توجه خاصی است. در این قسمت، به «وضع قواعد و مقررات»^۱ که در زمره راهکارهای «از بین بردن بهانه‌ها»^۲ در پیشگیری وضعی است، اشاره خواهیم کرد.

۱-۱-۱. یکنواخت‌سازی سن مجاز ازدواج به ۱۸ سال شمسی

بر اساس مقرره‌های کنونی می‌توان گفت که سه گونه سن بلوغ در حقوق ایران وجود دارند: الف) سن بلوغ شرعی: در تبصره ۱ ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی (الحاقی ۱۳۷۰) پیش‌بینی شده است؛ یعنی ۱۵ سال تمام خورشیدی برای پسران و ۹ سال تمام خورشیدی برای دختران. این سن متأسفانه، مبنای مسؤلیت کیفری در قانون مجازات اسلامی نیز قرار گرفته است (ماده ۱۴۷ ق.م.ا).

ب) سن بلوغ نکاحی (ازدواج): در ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی (اصلاحی ۱۳۸۱) پیش‌بینی شده است؛ یعنی ۱۳ سال تمام خورشیدی برای دختران و ۱۵ سال تمام خورشیدی برای پسران. این سن هم‌اکنون مبنای ماده ۵۰ قانون حمایت از خانواده ۱۳۹۱ برای حمایت کیفری ویژه از دختران نابالغ است.

پ) سن بلوغ بین‌المللی: در کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹ و قانون الحاق ایران به آن (۱۳۷۲) تعیین شده است؛ یعنی ۱۸ سال تمام خورشیدی برای دختران و پسران.

در نتیجه، به نظر می‌رسد که همه مقرره‌ها و قانون‌های ایران در راستای پایبندی به ملاک‌های بین‌المللی و حمایت گسترده‌تر از کودکان و نوجوانان، بهتر است در چارچوب این سن اصلاح و بازنگری شوند (رایجیان اصلی، ۱۳۹۸: ۱۰۴)؛ زیرا در غیر این صورت، تصویب این کنوانسیون در حقوق داخلی (با وجود حق شرط مندرج در آن)، مفهوم و منطق خود را از دست می‌دهد.

۱. وضع قواعد و مقررات منجر به آگاهی افراد از اعمال قانونی و غیرقانونی شده و بهانه‌های ناشی از عدم وجود قانون را مرتفع خواهد نمود (فرهادی آلاشتی، زهرا؛ پیشگیری وضعی از جرائم سایبری راهکارها و چالش‌ها، چاپ اول، تهران: بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۹۵، ص ۹۱).

۱-۱-۲. اصلاح قوانین و تصویب طرح کودک‌همسری

اولین گام مؤثر در مقابله با این پدیده اصلاح قوانین از جمله قانون مدنی مصوب ۱۳۷۹، قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۹۱ و تصویب لایحه حفظ کرامت و حمایت از زنان در برابر خشونت ۱۳۹۹ با نظارت دقیق روانشناس بر شیوه پاسخ‌گویی افراد است. هرچند سیاست قانونگذار در افزایش سن ازدواج دختران از ۹ سال تمام به ۱۳ سال تمام شمسی گامی اساسی در راستای ممانعت از ایجاد زمینه‌ای برای ورود آسیب‌های روحی و جسمی نسبت به اطفال بوده، اما همچنان با معیارهای جرم‌شناختی و روان‌شناختی فاصله دارد (زینالی و مدنی، ۱۳۹۴: ۱۹۵).

در ماده ۱۱ لایحه حفظ کرامت و حمایت از زنان در برابر خشونت مصوب ۱۳۹۹، وزارت آموزش و پرورش نیز موظف است به وضعیت دختران بازمانده از تحصیل و یا ترک تحصیل کرده و اتخاذ تدابیر مناسب برای ادامه و جبران تحصیل آنان اقدام نماید. به نظر می‌رسد با تصویب این لایحه قانونگذار در صورت شرایط بازماندن از تحصیل دخترانی که به ازدواج اجباری و کودک‌همسری تن داده‌اند، گامی مؤثر در راستای احقاق یکی از حقوق اساسی آنان برداشته است.

همچنین، ناکارآمدی قانون در حمایت از کودکان و به ویژه، دختران در برابر ازدواج و مطالبه وجدان جمعی جامعه ایرانی موجب شد فعالان حقوق کودک و فراکسیون نمایندگان زن مجلس خواستار افزایش حداقل سن ازدواج دختران به ۱۶ سال و پسران به ۱۸ سال و ممنوعیت ازدواج دختران زیر ۱۳ سال گردند و طرحی را با نام «طرح کودک‌همسری» که از سال ۱۳۹۵ در دست مطالعه بود، در آذر ماه ۱۳۹۶ در نوبت رسیدگی مجلس قرار دهند.

به عبارتی، با توجه به اینکه مسئله کودک‌همسری با انتقاداتی از حیث روان‌شناختی، پزشکی، اجتماعی و فرهنگی روبه‌رو شده است، نمایندگان مجلس شورای اسلامی در مهرماه ۱۳۹۷ طرحی با عنوان «اصلاح ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی» ارائه کردند که در رسانه‌ها با عنوان «طرح ممنوعیت کودک‌همسری» معروف شد. این طرح به دنبال ساماندهی وضعیت کودک‌همسری در کشور بود تا از اینکه جواز شرعی و قانونی این نوع ازدواج موجب سوءاستفاده از کودکان و تحمیل آثار جبران‌ناپذیر بر فرد و جامعه شود، جلوگیری کند.

این طرح در نهایت، در جلسه علنی مهرماه سال ۱۳۹۷ مجلس با یک فوریت تصویب شد تا عقد ازدواج بین سنین ۱۳ تا ۱۶ در دختران و ۱۶ تا ۱۸ در پسران را منوط به اذن ولی و رعایت مصلحت و تشخیص دادگاه به شرط داشتن قابلیت صحت جسمی برای تزویج با نظر

پزشک قانونی نماید؛ ولی کمیسیون حقوقی و قضایی آن را به دلایل گوناگون متوقف کرد که به گفته یکی از نمایندگان عضو فراکسیون زنان مجلس، این طرح عمدتاً بنا به دلایل «فقهی و شرعی» و کپی برداری از طرح‌های غربی مورد مخالفت قرار گرفت.

به رغم ایرادات با نگاهی منصفانه می‌توان اشاره کرد که طرح مجلس شورای اسلامی گامی به جلو به شمار می‌رود که سعی می‌کند تا اندازه‌ای در حل مشکل کودک‌همسری کوشا باشد و نباید مشابه موضعی که در گزارش‌های مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی منعکس شده است (دفتر مطالعات حقوقی معاونت پژوهش‌های سیاسی - حقوقی، ۱۳۹۸: ۲)، با این طرح مخالفت کرد یا آن را به فراموشی سپرد.

۲-۱. پیشگیری اجتماعی

پیشگیری اجتماعی به عنوان یکی از رویکردهای بنیادین در کاهش و کنترل معضلات اجتماعی، به مجموعه‌ای از استراتژی‌ها و اقدامات اشاره دارد که هدف اصلی آن‌ها تغییر شرایط و عواملی است که منجر به وقوع رفتارهای نامطلوب در جامعه می‌شوند. در این راستا، کودک‌همسری به عنوان یکی از مشکلات پیچیده و چندبُعدی جوامع، نیازمند بررسی و مداخله جدی از منظر پیشگیری اجتماعی است.

۱-۲-۱. اصلاح تفکر مردسالاری

بر مبنای علت‌شناسی پدیده کودک‌همسری در قسمت مبانی نظری حاکی از آن است که کودک‌همسری ریشه در عوامل جامعه‌شناختی و فرهنگی و حاکمیت جامعه مردسالارانه دارد. بر اساس اطلاعات موجود درباره پدیده کودک‌همسری، الگوهای رفتاری و ویژگی‌های پدیده مذکور می‌توان اذعان داشت که مقابله با خشونت‌های خانوادگی و پیشگیری از کودک‌همسری مستلزم تحولات مبانی و دگرگونی در رویکردها درباره آن است. اصلاح الگوهای فکری باورها و سنت‌های غلط و نادرست مستلزم آموزش مسائل حقوق بشری و حقوق زنان در مدارس و جلوگیری از انتقال بین‌نسلی افکار و رویکردهای غلط نسبت به امور ناموسی است (رستمی تبریزی، ۱۴۰۱: ۳۵۲).

بنابراین، از یک سو سنت‌ها و عقاید و فرهنگ غلطی وجود دارد که به موجب آن، مردان گمان می‌کنند با داشتن حق مالکیت بر زنان این حق را دارند تا در مورد همه مسائل دختران، خود تصمیم بگیرند و در تمامی جهات آنها را تحت کنترل خود داشته باشند و از سویی دیگر، به دلیل قرن‌ها زیر سلطه بودن و تحت حاکمیت مردان قراردادن، زنان به نوعی از نظر روانی

به آن‌ها باورنارنده شده است که آفرینش آن‌ها بدین گونه است و خیر و صلاح آن‌ها در دست مردان قرار دارد و خداوند آن‌ها را پایین‌مرتبه‌تر و ضعیف‌تر از مردان، چه از نظر جسمی و چه از نظر عقلی و فکری، آفریده است و در نهایت، جامعه مردسالار با آگاهی از این عوامل با تولید و بازتولید قوانین خشن خود سعی در ادامه بقای حکومت خود می‌کند.

۱-۲-۲. برگزاری سمینارهای حقوق کودک

همچنین، لازم است در طرح اصلاح ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی (طرح کودک‌همسری) تا حدی به مسائل فرهنگی و تربیتی پرداخته شود و سازوکاری تعبیه شود که مناطق پرخطر به لحاظ ازدواج زودهنگام شناسایی و در این مناطق، با برگزاری سمینارهای حقوق کودک و کلاس‌های آموزشی و یاد دادن مفاسد ازدواج زودهنگام و نیز مزایای ازدواج به موقع از میزان تمایل به این نوع ازدواج کاسته شود. همچنین، لازم است این طرح با اتخاذ تدابیری به منظور تبیین مواردی که ازدواج زودهنگام با آموزش صحیح زوجین به منظور آمادگی جسمی و روانی با مصالح و تحکیم بنیان‌های خانواده منطبق شود.

۱-۳-۳. پیشگیری رشدمدار

این نوع پیشگیری که از خردسالی متناسب با روند رشد کودکان سایه پیشگیرانه خود را طراحی می‌کند، قطعاً می‌تواند بسیار مفید و مؤثر باشد. پیشگیری رشدمدار در واقع یک سرمایه‌گذاری پایدار و درازمدت است که می‌تواند از خردسالی سنگ‌بنای برنامه‌های پیشگیرانه را برای کل عمر یک انسان در جامعه نهادینه کند (کرامتی معز و میرخلیلی، ۱۳۹۹: ۱-۲۲؛ کرامتی معز، ۱۳۹۹: ۱۵۲).

۱-۳-۱. آموزش و آگاهی‌بخشی در راستای پیشگیری خانواده‌محور

از آنجایی که کودک‌همسری در هر جامعه‌ای تابعی از فرهنگ و آداب و رسوم همان جامعه است، نحوه مقابله با آن باید با شرایط آن جامعه سنخیت داشته باشد و به تناسب و اقتضای شرایط، اقدامات لازم صورت پذیرد. بنابراین، نهادها و مقامات مسئول موظفند با اقدامات مختلف تقنینی، قضایی و اجرایی و همچنین، با فرهنگ‌سازی، اصلاح نگرش‌های طبقات در معرض آسیب، آموزش و آگاهی‌بخشی خانواده‌ها درباره ابعاد منفی ازدواج کودکان، از وقوع این پدیده شوم، تبعیض‌آمیز و آزاردهنده جلوگیری کنند.

کودک‌همسری به لحاظ جسمی با خطراتی مانند: پارگی اندام جنسی، زایمان زودرس، سقط ناخواسته جنین، خونریزی شدید در دوران بارداری و تولد نوزاد کم‌وزن مواجه می‌شود. به لحاظ روانی نیز خطراتی نظیر: اضطراب، افسردگی و وسواس برای او ایجاد می‌شود. بنابراین، باید تمامی خطرات و مشکلات کودک‌همسری برای خانواده‌ها بازگو شود تا از طریق آگاهی و اطلاع‌رسانی به آن‌ها، از به وجود آمدن این مسائل جلوگیری شود (صدقی، فرحزادی و امیدی، ۱۴۰۲: ۳۷).

به علاوه، از آنجایی که ارتقای نگرش‌های فرهنگی خانواده‌ها از مهم‌ترین عوامل بازدارنده در عمل به چنین آداب و رسومی است، نهادهای فعال در مقابله با کودک‌همسری در سطوح مختلف به آموزش و آگاهی‌بخشی خانواده‌ها درباره ابعاد منفی و پیامدهای مخرب کودک‌همسری و کودک‌مادری می‌پردازند و درباره فواید و مزایای نگاه‌داشتن دختران در مدرسه، والدین را به ادامه تحصیل دختران ترغیب می‌کنند. ادامه تحصیل دختران علاوه بر مسلح‌نمودن آنان به علم و دانش، توانمندی‌های اجتماعی و شغلی آنان را افزایش داده و نسبت به مبارزه با فقر و مشکلات و تأمین آینده بهتر برای خود و خانواده مجهزتر می‌سازد.

۱-۳-۲. آموزش و آگاهی‌بخشی در راستای پیشگیری مدرسه‌محور

محیط آموزشی نیز مانند خانواده حائز ارزش فراوانی در تکوین شخصیت کودکان می‌باشد، زیرا مدرسه به‌مثابه اولین محیط خارج از خانه و معلم به عنوان اولین فرد بیگانه، اثر تربیتی و پرورشی فراوان بر طفل دارد (نجفی توانا، ۱۳۹۸: ۱۱۵).

پدیده کودک‌همسری یکی از مشکلات اجتماعی است که نیازمند توجه ویژه و اقدام جدی است. یکی از راهکارهای مؤثر برای پیشگیری از کودک‌همسری، آموزش و آگاهی‌بخشی به دانش‌آموزان، والدین و معلمان در محیط‌های مدرسه‌ای است.

گاهی باورهای غلط فرهنگی و ترس از برچسب‌ها و تجرد قطعی سبب بروز کودک‌همسری می‌شود. در این تفکر، خانواده‌ها نگران مجردماندن فرزندشان هستند و به همین خاطر، ترجیح می‌دهند در سنین کودکی فرزندشان را وارد ازدواج کنند. غالب عوامل تأثیرگذار بر وقوع کودک‌همسری در بستر عدم آگاهی نسبت به پیامدها و آسیب‌های کودک‌همسری و فقدان آموزش‌های مربوط به ازدواج و تربیت فرزند روی می‌دهد (احمدی، ۱۴۰۰: ۳۸-۳۷).

لذا، پیرامون آموزش و آگاهی‌بخشی در راستای پیشگیری مدرسه‌محور از پدیده کودک‌همسری چندین راه وجود دارد:

۱. اجرای دوره‌های آموزشی برای خانواده‌ها در حوزه آسیب‌های کودک‌همسری توسط مدارس؛ ۲. تهیه محتوای آموزشی در راستای پیشگیری از کودک‌همسری؛ باید با استفاده از مجموعه نظرات کارشناسی، معضلات و نارسایی‌های موجود در حوزه آسیب‌های اجتماعی تشخیص داده شده و راهکارهای اجرایی نیز تدوین شوند (احمدی، ۱۳۹۶: ۲۱۱).

ارائه اطلاعات علمی و مستند در مورد پیامدهای جسمی، روانی و اجتماعی ازدواج در سنین پایین و برگزاری کارگاه‌ها و جلسات آموزشی برای معلمان تا با پدیده کودک‌همسری و راه‌های پیشگیری از آن آشنا شوند. آموزش معلمان برای تشخیص نشانه‌های خطر و ارائه کمک به دانش‌آموزان در معرض خطر، همچنین برگزاری جلسات آگاهی‌بخشی برای والدین درباره اهمیت تحصیل و پیامدهای منفی کودک‌همسری و ارائه خدمات مشاوره و حمایت روان‌شناختی برای خانواده‌هایی که در معرض فشارهای اقتصادی و اجتماعی قرار دارند. با اجرای این استراتژی‌ها و همکاری مستمر میان مدارس، والدین و سازمان‌های مرتبط، می‌توان به کاهش پدیده کودک‌همسری و حمایت از حقوق کودکان کمک کرد.

۲. راهکارهای پیشگیری کیفی از کودک‌همسری

منظور از پیشگیری کیفی به جرائم از طریق تحمیل مجازات است. مجازات متضمن تحمیل عمدی رنج یا محرومیتی شبیه آن، بر یک انسان، به خاطر ارتکاب جرم است (پاک‌نهاد، ۱۴۰۱: ۳۷۶)؛ بدین معنا که تدابیر واکنشی به جرم در بُعد کیفی در جوامع کنونی به عنوان یکی از ابزارهای اساسی سیاست جنایی شناسایی شده است.

۱-۲. جرم‌انگاری افتراقی ازدواج پیش از بلوغ

دخترانی که به علت ازدواج زودهنگام ترک تحصیل می‌کنند، دانش و مهارت لازم را در زندگی کسب نکرده و در شکل‌دهی به هویت خود با مشکل روبه‌رو می‌شوند و به خاطر کم‌سواد و دانش اندک، توانایی رویارویی با مسائل خانوادگی را ندارند و نقش مادری خود را به خوبی ایفا نمی‌کنند و در جامعه ایرانی لازم است همانند کشورهای اتریش، بلژیک و آلمان، کودک‌همسری جرم‌انگاری شود؛ زیرا صرف بکارگیری تدابیر غیرکیفی به تنهایی موجب از بین رفتن ازدواج اجباری نمی‌شود (میرشفیعیان، ۱۴۰۱: ۹۹). از این رو، یکی از نهادهایی که ممکن است کودکان در قالب آن مورد بهره‌کشی جنسی قرار بگیرند، ازدواج می‌باشد. بر همین اساس، مقنن ایرانی از رهگذر سازوکار جرم‌انگاری افتراقی به حمایت کیفی ویژه از اطفال در این نهاد پرداخته است.

ماده ۵۰ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ با توجه به آثار ازدواج زودهنگام بر کودک بزه‌دیده، به تشدید کیفر مرتکبین اقدام کرد و در نتیجه، هرگاه ازدواج زودهنگام به واقعه منتهی به نقص عضو یا مرض دائم کودک منجر گردد، زوج علاوه بر پرداخت دیه، به حبس تعزیری درجه پنج (دو تا پنج سال) و اگر به واقعه منتهی به فوت زن منجر شود، زوج افزون بر پرداخت دیه، به حبس تعزیری درجه چهار (پنج تا ده سال) محکوم خواهد شد.

همچنین، وفق تبصره این ماده، هرگاه ولی قهری، مادر، سرپرست قانونی یا مسول نگهداری و مراقبت و تربیت زوجه در ارتکاب جرم موضوع این ماده تأثیر مستقیم داشته باشند، به حبس تعزیری درجه شش (۶ ماه تا دو سال) محکوم می‌شوند. این حکم در مورد عاقد نیز مقرر است.

ماده ۵۰ قانون حمایت خانواده سه رفتار را جرم‌انگاری کرده است: نخست، انعقاد عقد نکاح با دختر برخلاف مدلول ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی، صرف‌نظر از این که منتهی به واقعه بشود یا نشود؛ دوم، ازدواج خلاف مدلول ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی و واقعه به گونه‌ای که منتهی به نقص عضو یا مرض دائم زوجه شود؛ سوم، ازدواج به خلاف مدلول ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی و واقعه با زوجه به گونه‌ای که منتهی به فوت زوجه شود (کرامتی معز و عبدالمهی، ۱۳۹۶: ۵۹).

این ماده از چند جهت مورد اشکال هست و نمی‌تواند از کیان خانواده و کودکان حمایت کند؛ اولاً، این ماده مقرر می‌دارد: «هر مردی برخلاف مقررات ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی ازدواج کند»، درحالی که در ماده ۱۰۴۱ هم از دختر صغیری که به سن ۱۳ سال تمام شمسی نرسیده، حمایت شده و هم از پسری که به سن ۱۵ سال تمام شمسی نرسیده است. حال، این سؤال مطرح می‌شود که وضعیت زنی که بدون اخذ اجازه‌ی دادگاه صالح با پسری که به سن ۱۵ سال تمام شمسی نرسیده، ازدواج می‌کند، چیست؟ به خصوص زنی که باکره‌ی رشیده نیست که باید با اجازه‌ی ولی ازدواج کند. آیا چنین زنی مستحق مجازات نیست؟ آیا این ماده زن‌سالارانه نوشته نشده است؟ آیا بهتر نبود قانونگذار به جای واژه‌ی «مردی»، واژه‌ی «شخصی» می‌آورد و چنین مقرر می‌داشت «هر شخصی برخلاف...»^۱ (اسدی، ۱۳۹۷: ۱۲۹).

ثانیاً، این مشکل مطرح می‌شود که این ماده اصلاً از قصاص صحبتی نکرده است، در حالی که می‌تواند چنین واقعه‌ای مجازات قصاص را به دنبال داشته باشد. این مجازات در صورتی

۱. امر شاید ناشی از آن باشد که امکان ضرر جسمی برای پسر در اثر ازدواج موجود نیست. اگرچه در عمل چنین ازدواجی به ندرت رخ می‌دهد، اما از آثار سوء اخلاقی چنین ازدواجی نباید غافل بود.

است که واقعه با دختر بچه نوعاً ایجاد نقص، یا مرض دائم یا مرگ می‌کند و مرد بدان آگاه است یا بی‌احتیاطی و بی‌پروایی شدیدی کرده است. اگرچه شوهر نوعاً قصد قتل یا صدمه ندارد، ولی اگر بداند که عملش منجر به قتل و صدمه می‌شود، جنایت عمدی محسوب می‌شود. به همین جهت است که برخی مراجع معاصر عمل شوهر مبتلا به ایدز را که با علم به مریضی با همسرش مقاربت نموده و باعث ابتلای وی به ایدز و در نهایت، فوت وی می‌شود، جنایت عمدی و موجب قصاص می‌دانند (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۸۹: ۲۰-۱۹).

به هر حال، این که قانون حمایت از خانواده وارد حریم حقوق کیفری در بخش قصاص و دیات شده است و قواعد آن را نادیده گرفته است، صحیح نیست؛ چرا که مطابق قواعد باب قصاص در صورتی که کسی عمل منتهی به جنایتی را به قصد ایجاد آن جنایت انجام دهد یا اینکه عملش نوعاً منجر به آن جنایت شود، عمد محسوب و با رعایت شرایط مقرر به قصاص محکوم می‌شود. جا داشت که در این قانون چنین آورده می‌شد: «علاوه بر پرداخت دیه یا قصاص حسب مورد...».

اشکال سوم این است که در تبصره‌ی این ماده برای ولی قهری، مادر، سرپرست قانونی یا مسئول نگهداری و مراقبت و تربیت زوجه، مجازات مقرر می‌دارد، به شرط آن که اشخاص مزبور «در ارتکاب جرم موضوع این ماده تأثیر مستقیم داشته باشد». مقصود ما واژه‌ی «تأثیر مستقیم» است که واژه‌ای شناخته‌شده، به خصوص از منظر حقوق کیفری، نیست. حقوق کیفری تمام اشخاصی را که به نوعی در ارتکاب جرم دخالت دارند، با رعایت شرایط و ضوابط مقرر با عناوین شناخته‌شده‌ای معرفی می‌کند: مباشر، شریک، معاون، فاعل معنوی و... ضمن اینکه تأثیر آن هم به قید مستقیم خود ابهام دارد (حاجی ده‌آبادی و کرامتی معز، ۱۳۹۶: ۱۳). آیا مقصود تحریک و تطمیع و... است، آیا صرف پذیرفتن پیشنهاد ازدواج مرد با صغیره تأثیر مستقیم است؟ اگر مقصود قانونگذار معاونت است، جا دارد به این واژه‌ی شناخته‌شده اشاره و مقرر کند: «هرگاه ولی قهری... در ارتکاب جرم موضوع این ماده معاونت داشته باشد...» و اگر مقصود چیز دیگری است، لازم است آن مقصود را روشن سازد.

ماده اصلاحی ۱۰۴۱، اگرچه تا حدودی نسبت به جواز بی‌قید و شرط نکاح برای دختران و پسران پس از سن بلوغ اقدامی مثبت در جهت کنترل و مدیریت سن ازدواج در جامعه روا نموده است، لیکن در جامعه فعلی، با توجه به دغدغه‌های اجتماعی مانند لزوم ادامه تحصیل جوانان، کسب مهارت‌های شغلی و اجتماعی، تأمین معیشت و اموری از این قبیل و از طرف

دیگر، با افزایش روزافزون آمار طلاق، سیاست‌گذاران و متخصصان امور اجتماعی درصدد برآمدند تا سن ازدواج را در اقدامی قانونی و اصلاحی بیشتر تعدیل نمایند.

در همین راستا، پس از مطالعات مقتضی، معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری در سال ۱۳۹۷، لایحه تعیین حداقل سن ازدواج یا همان اصلاح ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی را تدوین و به دولت تقدیم نمود. با حمایت اعضای کمیته فرعی کمیسیون لوایح دولت، لایحه جدیدی به تصویب رسید که بر اساس آن، حداقل سن ازدواج برای دختران ۱۳ سال و برای پسران ۱۵ سال تعیین شده است.

در لایحه مذکور پیشنهاد شده بود که ازدواج دختران زیر ۱۶ سال و پسران زیر ۱۸ سال ممنوع اعلام شود، لیکن لایحه اجازه می‌داد که دختران بین ۱۳ تا ۱۶ سال و پسران بین ۱۶ تا ۱۸ سال با حکم دادگاه خانواده ازدواج کنند. در سال ۹۷، طرح افزایش حداقل سن ازدواج در قانون در دستور کمیسیون قضایی مجلس شورای اسلامی قرار گرفت، لیکن این طرح به دلیل مغایرت با شرع در کمیسیون رد شد.

۲-۲. جرم‌انگاری ازدواج اجباری

«ازدواج اجباری»^۱ یکی از مشکلات زنان کم‌سن‌وسال است که منجر به بروز خشونت‌هایی علیه آنان می‌شود. ازدواج اجباری، ازدواجی است که «بدون رضایت»^۲ یک یا دو طرف واقع شده است، حق آزادی انتخاب همسر را نقض می‌کند و از مفاهیم خشونت جنسیتی و خشونت علیه کودکان است و به دلیل خطر بالای بزه‌دیدگی ثانویه و مکرر بزه‌دیدگان نیازمند حمایت ویژه هستند.

مسئله‌ای که مطرح می‌شود، این است که قانونگذار سن ازدواج را برای دختران ۱۳ سال تمام شمسی در نظر گرفته است؟ این در حالیست که برخی دختران در ۱۳ سالگی به بلوغ جسمی می‌رسند و ممکن است تحول ذهنی و عاطفی آنان با رشد جنسیشان همگام نباشد. همچنین، در اغلب موارد، رضایت اطفال به دلیل عدم قدرت تصمیم‌گیری آنان محل ایراد بوده و از مصادیق ازدواج اجباری است.

می‌توان گفت هرچه میزان سستی بودن آداب و رفتار خانواده‌ها بیشتر باشد، سن ازدواج نیز پایین خواهد آمد. بالعکس، هرچه سن ازدواج بالاتر رود، افراد هم از لحاظ مادی مستقل می‌شوند و کمتر تحت نفوذ خانواده قرار می‌گیرند. جرم‌انگاری ازدواج اجباری تحت عنوان

1. Forced Marriage
2. Assent

جرائم و مجازات‌های تعزیری امری ضروری باشد و حتی در صورتی که چنین ازدواج‌هایی مانع از ادامه تحصیل افراد شود، بتوان با مرتکبین بر اساس ماده ۷ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان ۱۳۹۹ برخورد کرد. در اصل دهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به مصوب استحکام خانواده تأکید شده است. دلیل اهمیت این امر، تأثیر خانواده بر ارزش‌ها و روابط اجتماعی است. می‌توان گفت یک خانواده سالم جامعه سالم را نوید می‌دهد. تمامی تحولات اجتماعی ابتدا، در خانواده شکل می‌گیرد و سپس، به صورت ارزش‌ها وارد اجتماع می‌شود. یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های زندگی مشترک، ارتباط جنسی سالم و رضایت‌بخش زوجین است که در قالب ازدواج مشروع شکل می‌گیرد و بی‌گمان برخورداری از آمادگی‌های لازم جسمی، روانی و اجتماعی رکن اساسی آن است.

۲-۳. جرم‌انگاری امتناع از ثبت‌نام و فراهم کردن موجبات تحصیل طفل و نوجوان

مهم‌ترین مقرر قانونی در این زمینه که دارای وصف کیفری است، ماده ۴ قانون تأمین وسایل و امکانات تحصیل اطفال و نوجوانان ایران مصوب ۱۳۵۳ و در حال حاضر، ماده ۷ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ است. مهم‌ترین سازوکار کیفری برای حمایت از حق بر آموزش و پرورش کودکان در این دو ماده پیش‌بینی شده است.

عنصر قانونی رفتار مجرمانه جرم مورد بحث به صورت مختلط، یعنی ترکیبی از ماده (۷) قانون حمایت از اطفال و نوجوانان و مقررات مرتبط از قانون تأمین وسایل و امکانات تحصیل اطفال و نوجوانان تشکیل می‌شود. در ماده ۷ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان قید شده است که برخلاف مقررات قانون تأمین وسایل و امکانات تحصیل اطفال و جوانان ایرانی مصوب ۱۳۵۳، بنابراین غیر از مقررات ماده ۴ قانون سال ۱۳۵۳ که ماده ۷ قانون جدید جایگزین آن شده است، دیگر مقررات مربوط از این قانون نه تنها نسخ نشده، بلکه مورد ارجاع قانون‌گذار در قانون جدید واقع شده است. بر این اساس، عنصر قانونی جرم مورد بحث ماده ۷ قانون حمایت مصوب ۱۳۹۹ و مقررات مرتبط از قانون سال ۱۳۵۳ است (طهماسبی، ۱۴۰۱: ۱۸۳-۱۸۲).

مجازات این جرم در قانون سال ۱۳۵۳ از ده هزار تا دویست هزار ریال پیش‌بینی شده بود که به شرح مقرر در ماده ۷ قانون سال ۱۳۹۹ به جزای نقدی درجه هفت تبدیل شده است. جزای نقدی درجه هفت به موجب ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ از مبلغ ده تا بیست میلیون ریال است که به موجب مصوبه هیأت دولت، افزایش یافته است. بنابراین، جرم‌انگاری امتناع از ثبت‌نام و فراهم کردن موجبات تحصیل طفل و نوجوان به‌عنوان یک ابزار قانونی مهم

در تضمین حقوق اطفال و نوجوانان و جلوگیری از نقض این حقوق توسط والدین یا سرپرستان آنها استفاده می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

۱) پدیده کودک‌همسری یکی از معضلات اجتماعی و فرهنگی از دیدگاه آسیب اجتماعی‌شناسی (زمبولوژی) است که اثرات مخرب و جبران‌ناپذیری بر زندگی کودکان دارد و از رویکرد در حوزه مطالعات جرم‌شناسی و سیاست جنایی قرار می‌گیرد. ضعف قوانین موجود و عدم ضمانت اجرای مؤثر آنها در برخورد با کودک‌همسری، از مهم‌ترین موانع پیشگیری کیفری از پدیده کودک‌همسری است. فقدان حمایت‌های حقوقی کافی از کودکان و خانواده‌ها در مقابل فشارهای اجتماعی و اقتصادی موجب افزایش موارد کودک‌همسری می‌شود.

۲) افزایش سطح آموزش و آگاهی‌رسانی در زمینه حقوق کودکان و مضرات کودک‌همسری به خانواده‌ها، مدارس و همچنین، از طریق رسانه‌ها، راهکار مهم غیرکیفری در پیشگیری از کودک‌همسری است.

۳) اجرای برنامه‌های فرهنگی و اجتماعی جهت تغییر نگرش‌های سنتی و تقویت ارزش‌های مدرن و همچنین، فراهم کردن امکانات آموزشی مناسب و حمایت از تحصیل دختران تا سطوح بالاتر از جمله راهکارهای مهم پیشگیری غیرکیفری از پدیده کودک‌همسری است.

۴) با توجه به یافته‌های این پژوهش، پیشگیری از پدیده کودک‌همسری نیازمند رویکردی جامع و هماهنگ است که تمامی ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و قانونی را در برگیرد. همکاری بین دولت، نهادهای غیردولتی، جامعه مدنی و نهادهای بین‌المللی در اجرای این راهکارها نقش بسزایی در کاهش و پیشگیری از این معضل خواهد داشت. امیدواریم که با اجرای مؤثر این راهکارها، بتوانیم شاهد کاهش چشمگیر موارد کودک‌همسری و بهبود وضعیت زندگی کودکان در کشور باشیم.

پیشنهادها

۱) پیشنهاد می‌شود که نظام تقنینی، سن ازدواج کودک را با توجه به واقعیت‌های اجتماعی مورد بازبینی مجدد قرار دهد و با تصویب قانونی صریح و عاری از ابهام به تمام جدال‌های ناخواسته قضات در خصوص تعبیر و تفسیر مفاد قانونی خاتمه دهد. مواد قانونی باید مشخص و شفاف باشد و قضات را دچار تشتت و ابهام نسازد. تأکید مصلحت شخصی طفل و ملاک

قراردادن سن رشد عقلی کودک و بکارگیری شاخص‌های عینی منطبق بر واقعیات جامعه از جمله پیشنهادات نگارنده به کنشگران تقنینی است که می‌تواند راه را بر جولان کنشگران قضائی و غیرقضائی ببندد و از حقوق کودکان حمایت کند.

۲) همچنین، پیشنهاد می‌شود آموزش و پرورش کشور، با انجام فراتحلیلی بر مطالعات مربوطه و جمع‌بندی نتایج چنین پژوهش‌هایی، برنامه جامعی را برای پرورش دانش‌آموزان و آگاهی آنان به عنوان آینده‌سازان جامعه طراحی نماید؛ تا بدین طریق زمینه پیشگیری از ازدواج‌های زودهنگام جامعه پدید آید. چنین برنامه جامعی می‌تواند شامل آموزش مهارت‌های زندگی به صورت عملیاتی، آموزش مدیریت هیجان و آموزش مهارت‌های پیش از ازدواج باشد.

۳) پیشنهاد می‌شود در طرح اصلاح ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی (طرح کودک‌همسری) در زمینه تعیین سن ۱۶ سال شمسی برای دختران و ۱۸ سال شمسی برای پسران، بررسی کارشناسانه صورت پذیرد و با بررسی جامعه آماری با تنوع جغرافیایی، فرهنگی مختلف و بومی، سنی تعیین شود که معمول افراد جامعه آمادگی ازدواج می‌یابند که پس از رسیدن به این سن، افراد بدون نیاز به حکم دادگاه قادر به ازدواج باشند.

سپاسگزاری

پژوهشگران از عزیزانی که در فرآیند ویراستاری ادبی و صفحه‌آرایی این مقاله همکاری و راهنمایی داشتند، کمال تشکر و امتنان را دارند.

منابع

- آذری، هاجر و میرمجیدی، سپیده. (۱۴۰۰). مطالعه تجربی جرم کودک‌همسری در گفتمان تقنینی و قضایی ایران از منظر جرم‌شناسی انتقادی (به روش برساخت‌گرایی اجتماعی). پژوهشنامه حقوق کیفری، ۱۲(۲)، ۵۲ - ۲۷.

https://jol.guilan.ac.ir/article_5220.html

- احمدی، کامیل. (۱۴۰۰). چالش‌های ازدواج زودهنگام کودکان در ایران از منظر حقوقی و دینی. *مطالعات روان‌شناسی و علوم تربیتی*، ۷(۲)، ۲۸ - ۲۴.

<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1821262/>

- احمدی، کامیل. (۱۳۹۶). *طنین سکوت*. چاپ اول. انتشارات شیرازه.
- اسدی، لیلاسادات. (۱۳۹۷). *حقوق کیفری خانواده*. چاپ سوم. بنیاد حقوقی میزان.
- حاجی ده‌آبادی، احمد و کرامتی معز، هادی. (۱۳۹۶). تقابل ضمانت اجرای کیفری قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۹۱ با ویژگی‌های خاص جرم‌انگاری در حوزه خانواده. *علوم اجتماعی*، ۱۱(۳۹)، ۱۸ - ۱.

<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1509164/>

- پاک‌نهاد، امیر. (۱۴۰۱). *اصول جرم‌شناسی*. چاپ اول. بنیاد حقوقی میزان.
- حاجی ده‌آبادی، احمد. (۱۳۸۹). *مقررات کیفری لایحه حمایت از خانواده در بوت‌نقد*. راهبردی زنان، ۱۲(۴۸)، ۵۲ - ۷.

https://www.jwss.ir/article_45310.html

- سیاه‌بیدی کرمانشاهی، سعید؛ بهرام‌پوری، رسول و کوهستانی، محسن. (۱۳۹۶). تحلیل فقهی حقوقی کودک‌همسری در پرتو انتقادات وارد بر آن؛ تلاشی برای ارائه پیشنهاد مطلوب. *نشریه فرهنگی تربیتی زنان و خانواده*، ۱۵(۵۲)، ۱۶۵ - ۱۴۹.

<https://ensani.ir/fa/article/447165/>

- رایجیان اصلی، مهرداد. (۱۳۹۸). *بزه‌دیده‌شناسی*. چاپ دوم. انتشارات شهردانش.
- رستمی تبریزی، لمیاء. (۱۴۰۱). *کودک‌همسری: جلوه‌ای از خشونت علیه زنان در عرصه بین‌المللی*. مجموعه مقالات در پاسداشت استاد دکتر محمدعلی اردبیلی. چاپ اول. بنیاد حقوقی میزان.
- زینالی، امیر حمزه و مدنی، سعید. (۱۳۹۴). *آسیب‌شناسی حقوق کودکان در ایران*. جلد اول. چاپ اول. بنیاد حقوقی میزان.

- صدقی، باقر؛ فرحزادی، رحمت و امیدی، جیرئیل. (۱۴۰۲). *کودک‌همسری از منظر فقه و حقوق و راهکارهای پیشگیری از آن از منظر حقوق کیفری*. *فقه جزای تطبیقی*، ۳(۴)، ۴۰ - ۲۷.

https://www.jccj.ir/article_176758.html

- طهماسبی، جواد. (۱۴۰۱). *حمایت کیفری از حق بر آموزش و پرورش کودکان در حقوق ایران و اسناد بین‌المللی*. *حقوق کیفری پویا*، مجموعه مقالات پاسداشت استاد دکتر محمدعلی اردبیلی. به کوشش دکتر نسرین مهرا و امیرحسین نیازپور. چاپ اول. بنیاد حقوقی میزان.

- عبدالهی، سامان. (۱۴۰۱). از علت‌شناسی قربانیان جرائم جنسی تا کارآمدی پلیس تخصصی. کارآگاه، ۱۶(۵۹)، ۱۴۷-۱۲۳.

http://det.jrl.police.ir/article_98630.html

- فرهادی آلاشتی، زهرا. (۱۳۹۵). پیشگیری وضعی از جرائم سایبری راهکارها و چالش‌ها. چاپ اول. بنیاد حقوقی میزان.

- کرامتی معز، هادی. (۱۴۰۳). جرم‌شناسی (طرح مباحث نوین در دانش جرم‌شناسی). چاپ دوم. شرکت سهامی انتشار.

- کرامتی معز، هادی. (۱۳۹۹). بزه‌دیدگی‌شناسی کودکان در شبکه‌های مجازی. چاپ اول. انتشارات دادگستر.

- کرامتی معز، هادی و میرخلیلی، سید محمود. (۱۳۹۹). پیشگیری رشدمدار از بزه‌دیدگی کودکان در شبکه‌های اجتماعی مجازی (مطالعه موردی معلمان منطقه پنج شهر تهران). مطالعات پیشگیری از جرم، ۱۵(۵۶)، ۲۲-۱.

<https://elmnet.ir/doc/2263407-19141>

- کرامتی معز، هادی و عبدالهی، سامان. (۱۳۹۶). بایسته‌های جرم‌نگاری در حقوق خانواده با تأکید بر حفظ کیان خانواده. چاپ اول. انتشارات نوید حکمت.

- مقدادی، محمد مهدی و جوادی‌پور، مریم. (۱۳۹۶). تأثیر ازدواج زودهنگام بر سلامت جنسی کودکان و سازوکارهای مقابله با آن. حقوق پزشکی، ۱۱(۴۰)، ۶۰-۳۱.

<https://ijmedicallaw.ir/article-1-705-fa.html>

- میرشفیعیان، سمیرا سادات. (۱۴۰۱). نقش اورژانس اجتماعی در حمایت از زنان بزه‌دیده. چاپ دوم. بنیاد حقوقی میزان.

- نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۹۰). از جرم‌شناسی تا آسیب اجتماعی‌شناسی. تحقیقات حقوقی، ۵۶(۵۶)، ۱۰۳۲-۱۰۱۵.

<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1181759/>

- نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۸۹). دانشنامه جرم‌شناسی آکسفورد. نویسندگان مایک مگوایر؛ راد مورگان؛ رابرت رینر. ترجمه حمیدرضا ملک محمدی. جلد اول. چاپ اول. بنیاد حقوقی میزان.

- نجفی توانا، علی. (۱۳۹۸). ناپهنجاری و بزهکاری اطفال و نوجوانان. چاپ اول. انتشارات میزان.

- وجدانی فخر، مهدیه؛ دارابی، شهرداد و نجفی توانا، علی. (۱۳۹۹). مطالعه بزه‌دیدگی‌شناسی آبی در حقوق ایران و اسناد بین‌الملل با تأکید بر حمایت پلیسی از زنان و کودکان. پلیس زن، ۱۴(۳۳)، ۲۲۴-۲۲۱.

<https://lib.wrc.ir/scholar/view/1/41088>

- Pemberton, S. (2008). *Criminal obsessions: Why harm matters more than crime*. Centre for Crime and Justice Studies. Second edition. kings college London.